

یادبود

با بگير و ببند نمی شود!

فتح الله آملی (جوادی)

طرحی که اخیراً توسط نمایندگان محترم مجلس مطرح شده و قرار است در جلسه علنی به رأی گذاشته شود این روزها محل بحث کارشناسان مختلفی قرار گرفته و مردم هم درباره آن اظهار نظرهای گوناگونی داشته‌اند. در این طرح به منظور تشویق خانواده‌ها برای فرزندآوری و تشبیه آنان که به هر شکلی درصدد جلوگیری هستند مقرراتی وصف شده‌است. از جمله اینکه کسانی که اقداماتی برای عقیم‌سازی یا سقط و مواردی از این قبیل صورت دهند مرتکب جرم شده و حتی مجازات زندان در انتظار آنهاست. البته موارد متعددی در این طرح پیشنهاد شده که محل بحث ما نیست.

آیا ریشه مشکل به آزاد بودن راه‌های جلوگیری با انجام سقط جنین و عمل واژکتومی مربوط است یا اینکه مردم به تعداد کافی فرزند ندارند ریشه‌های عمیق‌تر ی دارد؟ و اصولاً ما برای رشد جمعیت باید به اقدامات تنبیهی روی یابوریم یا اقدامات تشویقی؟ آیا دخالت حکومت در این امر حق است یا دخالت در امور شخصی مردم؟

نخست بد نیست بگویم که در حال حاضر روزانه بیش از ۴ هزار کودک در کشور متولد می‌شود و در سال حدود یک میلیون و هفت هزار نفر به جمعیت کشور افزوده می‌شود، پس لذا نمی‌توان گفت که ما حداقل در سال‌های آینده با کاهش جمعیت روبرو می‌شویم چرا که با احتساب یک میلیون و چهارصد هزار و خرده‌ای تولد و کمتر از ۴۰۰هزار مرگ و میر بیش از یک میلیون نفر هر سال به جمعیت ما اضافه می‌شود. آنچه که مورد نگرانی و هشدار شده، مسأله جاگیری نسل است مثلاً در سی سال آینده اگر نرخ پائوری همچون نرخ عدد ۲ باقی بماند یا بهتر است بگویم نرخ جاگیری جمعیتی زیر عدد ۲ باشد به این معنا خواهد بود که از هر پدر و مادر کمتر از دو فرزند بر جای می‌ماند که با توجه به پزند جمعیت می‌تواند از یک طرف هم موجب پیری و سالخوردگی جمعیت و از طرف دیگر موجب کاهش رشد جمعیت شود. لذا عده‌ای از کارشناسان معتقدند که در همین حال باید فکری کرد و جلوی پیری جمعیت را گرفت. اما در این میان باید توجه داشت که هرگونه شناژیدگی، اقدامات احساسی و بی‌پایه‌ای می‌تواند نقص غرض به حساب آید. همه ما می‌دانیم که در حال حاضر با تغییر سبک زندگی و با توجه به وجود تورم و گرانی میل به فرزندآوری در خانواده‌ها کاهش یافته است. خانواده و پدیده قبلی که هزینه خود و خوراک و تحصیل فرزندانش از تاب و توان او خارج است و با وقتی شاهد این باشد که جوانش با وجود تحصیل نمی‌تواند شغل مناسبی پیدا بکند یا در آمدی داشته باشد که بتواند ازدواج کند، مسکنی فراهم نماید و زندگی مستقل تشکیل بدهد، قاعدتاً چون فرزندش را دوست دارد و نگران آینده اوست انگیزه‌ها برای گسترش خانواده پیدا نمی‌کند.

اگر بخواهیم با قوانین و دستورالعمل‌ها جلوی هر گونه پیشگیری را بگیریم و با مجازات برایش تعیین کنیم نمی‌توانیم مشکل را حل کنیم چون جامعه را به سمت آزمایش راه‌های غیر قانونی یا دور زدن قانون یا مخفی کردن هادیات می‌کنیم.

باید نژ و شوهر بخوانند و به این نتیجه برسند که صاحب فرزندانی بیشتری بشوند وگرنه همه می‌دانیم که بارداری‌های ناخواسته و فرزندانی که بدون میل و اراده والدین متولد می‌شوند تقاضای اساسی با فرزندانی خواهد داشت که با اراده والدین و با خواسته آنها به خانواده اضافه شده‌اند. بهترین راه و شیوه آن است که ما ابتدا به اصلاح ساختارهای اقتصادی و اجتماعی همت کنیم. یعنی با افزایش رفاه، کاستن از نوسانات اقتصادی، جلوگیری از افزایش تورم، توجه به امر اشتغال و تولید، بستری را فراهم کنیم که ابتدا خانواده‌ها به آرامش برسند و امکان تأمین نیازهای فرزندانشان را یابند.

نکته دیگر آسان کردن شرایط ازدواج است، یعنی یکی از مشکلات جامعه امروز تأخیری است که جوانان در امر ازدواج دارند، در طی سه دهه اخیر متوسط سن ازدواج بیش از ۵ سال افزایش یافته است. جامعه در حال حاضر با میلیون‌ها دختر و پسر مجرد روبرو است که با امکان ازدواج ندارند یا انگیزه‌ای برای ازدواج نیافته‌اند و این دومی از اولی بدتر است که حتی انگیزه ازدواج نیز در بین جوانان کاهش یابد.

مسایل فرهنگی دیگری را نیز باید در نظر داشت، از جمله تغییر در سبک زندگی که نوع نگاه ما را به فلسفه خلقت و زندگی عوض می‌کند. نهادهای فرهنگی، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و به ویژه صدا و سیما در فرهنگسازی درست مؤثرند و باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که نگاه جامعه نسبت به زندگی، تربیت، جوانی، رفاه، نگاه درستی شود و گرنه با تشبیه و بگير و ببند و مجازات، وضع قوانینی که ضمانت اجرایی چندان هم ندارد نمی‌توان به مقصود رسید.

۱۵۰ گروه مسئول رویت هلال ماه مبارک رمضان شدند

عضو ستاد استهلال دفتر مقام رهبری با بیان این که ۱۵۰ گروه برای استهلال هلال ماه مبارک رمضان در آماذگی کامل هستند، گفت: پشت پینی کارشناسان این است که یکشنبه هفته آینده، اول ماه مبارک رمضان خواهد بود.

به گزارش ایرنا، حجت الاسلام و المسلمین علیرضا موسی‌وحیدی نژاد دیروز در نشست خبری اظهار داشت: استهلال برای رویت ماه مبارک رمضان توسط ۱۵۰ گروه در غروب روزهای جمعه و شنبه انجام می شود.

وی ادامه داد: استهلال در غروب روز شنبه به این دلیل است که امتحان لازم برای رویت هلال ماه مبارک رمضان به اثبات برسد. این عضو ستاد استهلال دفتر مقام معظم رهبری با اشاره به پیش پینی کارشناسان در رویت هلال ماه مبارک رمضان گفت: بنا بر طبق پیش پینی رویت هلال ماه در غروب جمعه متغنی است و غروب شنبه هلال ماه نوروت خواهد شد و انتظار این است که همانند زمان اعلام شده در تقویم، یکشنبه اول ماه مبارک رمضان باشد.

موسی‌وحیدی نیز تصریح کرد: ۱۵۰ گروه ستاد استهلال در اکثر نقاط ایران و با امکانات پیشرفته در غروب روزهای جمعه و شنبه اقدام به رویت هلال ماه مبارک خواهند کرد.

وی ادامه داد: باید به این که گروه‌ها از استهلال در روز جمعه هم در سراسر کشور به فعالیت می‌پردازند اما طبق پیش پینی‌ها در این روز هلال در ایران رویت نمی‌شود و غروب شنبه هلال ماه مبارک رمضان دیده خواهد شد.

مراکز معاینه پزشکی مشمولان ایرانی در ۳ کشور راه‌اندازی شد

معاون سازمان وظیفه عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران دیروز در یک برنامه پاسخگویی حضوری در دبیرخانه شورای عالی وزیر امور خارجه گفت: ۳ کشور، به پیش از این ۴۰ پرونده جاگیرکن‌مقررتر سابق شده‌است به مربوط به مشمولان ایرانی مقیم خارج رسیدگی کرد.
به گزارش اداره کل روابط عمومی دبیرخانه ششورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، در این برنامه، سرهنگ سجت‌الله واعظی نژاد با بیان این‌که به برنامه پاسخگویی حضوری به مشمولان معین خارج، نخستین برنامه از نوع خود برای هموطنان خارج از کشور است، گفت: در این جلسه توانستیم به مشکلات ۴۰ نفر از هموطنان مقیم خارج در حوزه وظیفه عمومی رسیدگی کنیم.
وی با اشاره به عسدمه معافیت پزشکی توسط این سه مرکز تشکیل شده و ۱۰۰ مورد از آنها مورد رسیدگی قرار گرفته است که از این مجموعه بیش از ۹۰ درصد منجر به صدور معافیت شده‌است.معاون مسئولان ناجا افزود: علاوه بر این سه مرکز در نظر داریم مراکز دیگری را در کشورهای ترکیه، آمریکا و کانادا و بهمانگی وزارت امور خارجه راه‌اندازی کنیم.

نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری در ارزیابی خود از تحولات عراق گفت: هدف تروریست‌ها و رهبران پشت پرده آن‌ها عقیم ماندن انتخابات قانونی و مشروع عراق و ناتوان جلوه دادن حکومت نوری مالکی است.
به گزارش ایسنا، آیت الله هاشمی شاهرودی که ریاست جلسه مشترک هیات رئیسه و روسای کمیسیون‌های مجلس خبرگان رهبری را در غیاب آیت‌الله مهدوی‌کنی به عهده‌داشت، با اشاره به این‌که مسأله عراق در ظاهر تسلط گروه داعش بر برخی استان‌های این کشور است، گفت: اما در واقع پس از پیروزی شیعیان در انتخابات عراق، کشورهای عربی، آمریکا و اسرائیل به سبک‌اندازی کردند چون واقعی نبودند که شیعیان در عراق یک حکومت مردم‌سالار را تشکیل دهند.

وی همچنین افزود: هیچ کشورعربی نمی‌توانست چنین انتخابات با شکوه و آزادی را برگزار کند. آرای کرسی‌های مربوط به گروه‌های شیعه از انتخابات عقب‌نشینی‌شده بود که این اتفاق صدمه‌ای برای آمریکا و برخی کشورهای منطقه بود زیرا آن‌ها نمی‌خواستند عراق در اختیار شیعیان و مخالفان اسرائیل قرار بگیرد.

هاشمی شاهرودی همچنین با بیان این‌که داعش و تروریست‌ها قبل از انتخابات با پول‌ها در بخش‌هایی از این کشور موضع گرفته بودند، خاطر نشان کرد: تهیه انتخابات برای دشمنان حکومت مرکزی عراق غیرمنطوره بود. اتفاق‌ات عراق یک پشت پرده اصلی دارد که داعش پیادفونظام آن و سه سلیع آمریکا،اسرائیل، کشورهای مثل عربستان، قطر، ترکیه و حزب کردها هستند.

نایب رئیس مجلس خبرگان همچنین با اشاره به وجود مشکلی که با ارائه نشده است؛ چراکه وزارتخانه‌ها خود را تجهیز کرده اند.

بیشتر از آن چه که در بودجه پیش بینی شده بود نفت صادر کرده ایم، نوینخت در ادامه گفت: همانطور که

سرخان خود،با بیان این که می‌توانیم صادرات نفت بیش از برنامه است، گفت: بحث صادرات نفت همچون

بقیه از صفحه اول

و در این جلسه تاکید شد که معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری قصد از این‌که تهیه این برنامه را کامل کند یک آسیب‌شناسی از برنامه‌های اجرایی شده قبل داشته باشد و مانع تحقق آنها را مورد بررسی قرار دهد و با شناخت این برنامه‌ها، برنامه ششم را تهیه کند.



او با بیان این‌که این برنامه با تکیه بر برنامه‌های سیاست‌های کلی نظام از جمله سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تهیه خواهد شد، ادامه داد: در این جلسه تاکید شد که تا زمان اتمام برنامه پنجم توسعه و آغاز اجرای برنامه ششم در این فاصله زمانی در خصوص ساختارهای که اجرایی برنامه لازم دارد و همچنین دیگر مسائل مربوطه، برنامه کوتاه مدت ویزه‌ای تهیه شود.

رصد فعالیت تروریست‌ها در منطقه

سختگوی دولت همچنین با بیان این‌که فعالیت گروهک‌های تروریستی در منطقه رصد می‌شود، گفت: دولت درباره موضوعی که در کشور مسابه و در مغایرت با در اثر جهان گرفتن یعنی و فعالیت گروهک تروریستی به وجود آمده بسیار حساس است و رخداده‌ها و موضوعات را به شدت زیر نظر دارد. بخشی از مسایل در هیات وزیران بحث و بررسی می‌شود و بخشی هم در شورای عالی امنیت ملی که با ریاست جناب آقای رئیس‌جمهور است مورد تدقیق قرار می‌گیرد.

او ادامه داد: برای نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره با تروریسم مقابله می‌کرده و در جهت ثبات منطقه فعال بوده است، این مسئله، بسیار مهم و ملتی است و بزرگ و فهمیم ما مطمئن باشند که با دقت هم مسایل را رصد می‌کنیم و از اقدامات متناسب برای امنیت بخشی مرزها و کشورمان بهره خواهیم گرفت.

نویخت در پاسخ به سئوال وزیر نیرو و وزیر نفت گفته اند ما هیچ مشکلی برای تهیه سوخت لازم برای نیروگاه ها و پالایشگاه ها نداریم و تاکنون گزارش مبنی

کلیات طرح باز نشستی روستاییان و عشایر تصویب شد

سرویس پارلمانی: طرح اباننشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی هستند و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر را پرداخت می‌کنند، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و در پی تصویب در شور اول، بررسی جزئیات آن به جلسه علنی آینده، موکول شد.
به موجب این طرح، دولت مکلف است تا گروه‌ها و روستاییان و عشایر را که به سن بازنشستگی رسیده‌اند و زیر پوشش بیمه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر هستند، در صورت تقاضای آنان و داشتن حداقل ۹ سال سابقه پرداخت حق بیمه بازنشسته کند و متناسب با آن حقوق بازنشستگی به آنان بپردازد.

در صورتی که این افراد کمتر از ۹ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند، می‌توانند مابه‌التفاوت حق بیمه سنوات را به صورت یکجا و به قیمت روز پرداخت کنند و بازنشسته شوند.
شرط سنی برای بیمه‌گذاران زیر سن بازنشستگی به ۵۰ سال تغییر می‌یابد.

فرزندان و پسران بیمه شده متوفی، در صورتی که کمتر از ۹ سال سابقه پرداخت بیمه داشته باشند، باید به دلیل مابه‌التفاوت حق بیمه تا ۹ سال به نرخ اسمال از مستعری و امتیازات بازنشستگی برخوردار خواهند شد.

حقوق افراد بازنشسته، از محل وجوه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر تأمین می‌شود.
در بررسی کلیات این طرح، حسن کارمان نماینده اصفهان تاکید کرد که این طرح بار مالی ندارد و هزینه آن از محل حق بیمه روستاییان و عشایر تأمین می‌شود.

احمدعلی مقیمی نماینده تکام هم تصویب آن را موجب افزایش هزینه‌های دولت دانست و حمیدرضا خباز، معاون فنیینی معاونت پارلمانی ریاست جمهوری اعلام کرد که به دلیل معایرت این طرح با اصل ۵۹ قانون اساسی، به دستور قطع در شورای نگهبان مردود خواهد شد.وی سپس گفت: اگر این طرح تصویب شود، صندوق‌های بازنشستگی روستایی و روستیک خواهد شد و چون صندوق بیمه گذار زیر ۵۰ سال نیستن می‌شود است و ۵ میلیون روستایی از خدمات صندوق محروم خواهند شد.یادآور می‌شود که این طرح به دلیل مغایرت با اصل ۵۹ قانون اساسی و بند ۳ ماده ۲۶ قانون بازنشسته پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون بهداشت و درمان مردود اعلام شده‌ است.

تمد مدت فعالیت ثبت اختراعات
طرح تمدیدمهدهم اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات ملی طی‌های صنعتی و علائم تجاری، مصوب ۱۳/۲۶ دیگتر در این جلسه بود که به

قالبیاف: مقابلی زباده خواهی‌ها می‌ایستیم

سرویس سیاسی -اجتماعی: شهردار تهران گفت: در زمینه حرکت جهادی بسیج باید خط شکن و پرچمدار حرکت جهادی و جزو کسانی باشد که همانند دفاع مقدس معلر را بازمی‌کر دند تا دیگران عبور کنند.

حمیدقلی قالبیاف، در جمع فرماندهان، مدیران و معاونان بسیج شهرداری تهران گفت: پرکارترین فرد، مشکلی را نمی‌کند، چه بسا سرعت پیشتری ما را به سمت هدف برده. در کارها به نظر علمی، عقلی و با خرج معینم بگیریم، اگر از این نکته غافلیم، کارتان بی‌فایده خواهد ماند. ما طرحی در کار می‌شویم از این موضوع غفلت می‌کنیم.وی با تاکید بر لزوم توجه سازمان بسیج به بنده شهرداری تهران اظهار داشت: ما این دوره دو دهه‌ای را مورد توجه قرار داده‌ایم. درون سازمان و بیرون سازمان، یعنی یک بحث یا شهردار داریم و یک بحث یا شهرداری تهران. اولویت کار در بسیج باید درون شهرداری تهران باشد، منظورم آن نیست که فعالیت بیرونی انجام

اخبار داخلی

آیت الله هاشمی شاهرودی: ایران مخالف تجزیه عراق است



این‌که امریکا می‌خواست است از صدام با عربستان هماهنگ باشد، اما این کشور با ایران کار هماهنگی نشده است و با یکدیگر هیچ درگیری در اختیار تروریست‌ها قرار گرفت.

هاشمی شاهرودی در ادامه با اشاره به این‌که یعنی ه‌سا مثل عزت‌الدورری و دختر صدام هم نقش آزادی زیادی هم دارند، اما چون استان کرکوک که استانی نفت‌خیز است را نتوانستند در اختیار بگیرند با حکومت نوری مالکی مخالفت کردند. درواقع حکومت مرکزی مانع زباده خواهی آن‌ها شد. آن‌ا اظهار می‌کردند ما در صورتی در انتخابات مشارکت می‌کنیم که نوری مالکی در قدرت نباشد.

رئیس سابق قوه قضایه در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش استانداران موصل گفت: وی از

نویخت: طرح حمایت از اقشار کم در آمد از هفته آینده آغاز می‌شود

بر وجود مشکلی که با ارائه نشده است؛ چراکه وزارتخانه‌ها خود را تجهیز کرده اند.



بیشتر از آن چه که در بودجه پیش بینی شده بود نفت صادر کرده ایم، نویخت در ادامه گفت: همانطور که



رئیس جمهوری:باید از تکرار موانع حفظ برنامه جلوگیری کرد

رئیس‌جمهوری با تاکید بر لزوم توجه به اولویت‌های کشور در تدوین برنامه ششم بر بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی در تأمین مسکن مورد نیاز جامعه تاکید کرد.

به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی در جلسه دیروز هیأت دولت با اشاره به آماده شدن جامعه برای آزمون الهی و شگرفی‌های معنوی در آستانه ماه مبارک رمضان، از مردم به ویژه جوانان فهمیم خواست با احترام به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ اجتماعی، فرهنگ عفاف و تقوی را با عمل خود گسترش دهند و فضای جامعه را برای پاهرداد و عبادت آماده کنند.
وی همچنین اظهار امیدواری کرد به برکت دعا و عبادت زنان و مردان پارسا و پاکدامن در سه‌ماه مبارک رمضان، خداوند بر کرات و عنایات مادی و معنوی خود را بر این کشور بگستراند.روحانی در بخش دیگری از اظهارات با اشاره به اهمیت برنامه ششم توسعه گفت: قبل از ورود به فرآیند تدوین برنامه ششم توسعه، بایستی ارزیابی سنجیده‌ای از دلایل عدم توفیق کامل برنامه‌های قبلی به عمل آید و با شناخت موانع وجودی آن‌ها و تکرار کاستی‌هایی که مدنهایی به اهداف برنامه را با چالش مواجه کرده است، جلوگیری کرد.

نویشت در پاسخ به سئوال وزیر نیرو و وزیر نفت گفته اند ما هیچ مشکلی برای تهیه سوخت لازم برای نیروگاه ها و پالایشگاه ها نداریم و تاکنون گزارش مبنی

او همچنین به مداخلات دولت برای حل مضللات زیست محیطی اشاره کرد و گفت:برای مقابله با آفات مگس زیتون و ملخ

از بحث‌های نمایندگان مخالف و موافق، مقرر شد که اجرای این طرح به مدت یک سال دیگر تمدید شود.

گرمیادداشت‌واضعه هفتم هنرمندان
حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی‌فرد در این جلسه، یاد خاطره شهدای فرهنگ هنر سال ۱۳۳۰ را گرمی‌داشت و گفت: هفتمین، یادآور حادثه خونبار و هولناکی است که شجره قبیله انقلاب اسلامی را آبیاری و بارور کرد.

وی افزود: استیکار جهانی با مدیریت امریکای جهانخواه، پس از تجربه تلخ شکست به دست توانای خدای میحسان در صحرای طیس، کوتاهی نوز، حمله نظامی مزدور یعنی نظام سلطه، دست به جانیی هولناک زد و در هفتم تیرماه سال ۱۳۳۰، دفتر حزب جمهوری اسلامی را در حالی که جمعی از بلندپایگان و دلسوزان نظام که ستارگان پر فرور آسپاز ایران بودند، شامل آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، ۴ وزیر عالم و فرهنگ، ۱۲ معاون وزیر و ۳۰ نماینده، شهردار تهران و سایر افاضات و سایر اقدار اعلا، با نام یاد خدا بر لب و بدنه‌های پاره‌پاره و بی‌دیار خن‌نشانند.

وی افزود: تشبیه پیکرهای کاب شهیدی حزب جمهوری اسلامی ایران به حضور مقتدرانه ملت در رویارویی با استیکار و نفاق تبدیل شد و زمینه استحکام ارکان جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرد.

ابوترابی‌فرد سپس اظهار داشت: چنین حادثه‌ای اگر در هر نقطه دنیا اتفاق می‌افتاد، برای فروپاشی یک نظام کافی بود، ولی نظام اسلامی آن را تحمل کرد و سیدمهدی کاشانی، برای استیکار و اقتدار آن.

تقدیم یک سؤال و ۴ لایحه به مجلس

در ادامه این جلسه اعلام شد که سؤال نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه از علی‌سپیناب، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در مورد عملکرد آن وزارتخانه و بانک مرکزی در حوزه بانکداری و بورس، به همراه لایحه به شرح زیر، تقدیم هیأت رئیسه شده است.
۱- لایحه طرح مشارکت جمهوری اسلامی ایران در برنامه صندوق بین‌المللی پول، برای کاهش فقر و ارتقای رفاه.
۲- لایحه طرح تسهیل سرمایه‌های خارج از کشور.
۳- لایحه تصویب کنوانسیون بیناماتا، در مورد جنوه.
۴- لایحه تصویب اصلاحات اساسنامه کانسئین و این‌نامه‌های کلی فراهم

شده‌است که برای فروپاشی یک نظام کافی بود، ولی نظام اسلامی آن را تحمل کرد و سیدمهدی کاشانی، برای استیکار و اقتدار آن.

نویشت در پاسخ به سئوال وزیر نیرو و وزیر نفت گفته اند ما هیچ مشکلی برای تهیه سوخت لازم برای نیروگاه ها و پالایشگاه ها نداریم و تاکنون گزارش مبنی

اخبار داخلی

آیت الله هاشمی شاهرودی: ایران مخالف تجزیه عراق است

پس از سقوط موصل اعلام کرد که عراق رو به تجزیه است و ما درصددیم که بحث استقلال کردستان عراق را پیگیری کنیم.

وی در ادامه با اشاره به موضوعگیری مهم مرجعیت نجف در قبال تحولات ارتش دربرابر گروه داعش نجف با هوشیاری کامل خطر را درک کردند و فرای جهاد را صادر و بر وحدت عراق تاکید کردند و گفتند هرکس در راه مقابله با تروریست‌ها ناکید شود شهید محسوب می‌شود. مرجعیت نجف برای خود تشکیلاتی ایجاد نکرد و مردم را برای کمک به دولت بسیج کرده و آن‌ها را زیر پرچم دولت به جنگ با تروریست‌ها فرستاد.نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری همچنین اظهار داشت: آمریکایا وقتی قانون دموکراسی را به عراق تحمیل کرد نمی‌کرد که یک حکومت شیعی با رای اکثریت مردم در عراق تشکیل شود پس آن‌ها با اصل حکومت شیعی در عراق مخالفت هستند.

وی در ادامه با تاکید بر این‌که هیچ‌کس حق ندارد عراق را تقسیم کند گفت: تقسیم شدن عراق موردیول حکومت عراق و ایران نیست و فقط به نفع آمریکاست. مردم عراق باید وحدت خود را حفظ کنند. به گفته هاشمی شاهرودی، بسیاری از علمای شیعه هم به عملیای شیعه‌یزدیک شده‌اند زیرا آن‌ها هم خطر را درک کرده‌اند.

رئیس سابق قوه قضایه در پایان با بیان این‌که وضع امنیتی و سیاسی عراق وضع خوبی است خاطر نشان کرد: ارتش، مردم و نیروهای بدر نتوانسته‌اند بسیاری از مناطق مهم را از اختیار داعش خارج کنند و بالاسلحه بیجی هم در اختیار حکومت مرکزی عراق است ولی عراق از نظر سیاسی تحت فشار است نه از نظر نظامی.

برنامه‌ها بودجه گفت: دولت مصمم است که نظام برنامه‌ریزی مناسبی را متناسب با ماموریت‌هایی که وجود دارد تعریف کند. امروز رئیس‌جمهور این موضوع را در هیأت دولت مورد تاکید قرار دادند و با ساختار و تشکیلات فعلی نمی‌توان برنامه مناسبی را برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز تهیه کرد و باید نظام و ساختاری که اکنون وجود دارد اصلاح شود. او ادامه داد: ما تاکنون با دو تجربه دربراه نظام مردم‌ریزی در کشور روبرو بودیم؛ یکی سازمان برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی که هر کدام نواقصی داشتند. سازمانی که درصدد احیای آن هستیم باید روزآمد باشند و اشکالات دو سازمان یکی را نداشته باشد.

در بخش دیگری از این جلسه، نویخت در پاسخ به این سؤال که عده‌ای خود را طلبکار دولت می‌نامند و رای به دولت در انتخابات سال گذشته را محدود به این خود کرده‌اند، گفت: بی‌نی بودن اراده مردم هیچکس نمی‌تواند برگزیده شود و در خصوص آقای دکتر روحانی هم حمایت‌های مردمی و مقبولیت‌های مردمی بود و از آن تأمین تدوین برنامه ششم ذکر کرد و به بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی در تأمین مورد نیاز جامعه تاکید کرد.
در این جلسه، اعضای دولت به ادامه بررسی گزارش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور درباره نحوه تدوین برنامه ششم توسعه فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و نقشه‌راه آن پرداختند. در ادامه جلسه، تعدادی از پیشنهادهای دستگه‌های اجرایی پس از بحث و بررسی، به تصویب هیأت وزیران رسید.با تصویب هیأت دولت، مبلغ ۴۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای اجرائی عملیات انتقال آب آلوه تا مازع در استان بوهر اختصاص یافت. همچنین مبلغ ۴۵ میلیارد ریال اعتبار به منظور مقابله با آفات مگس زیتون و ملخ مراکشی در اختیار سازمان حفاظت نباتات قرار گرفت.

دولت همچنین با اختصاص مبلغ ۲۵۰۰میلیارد ریال برای انجام اقدام‌های ضررئی حذف و خارج سازمان‌های و کنترل کارکنان‌های بحران خشکدگی کرد و داخل وزارت آب و سبزه و آفات و سایر اقدار اعلا، با نام یاد خدا بر لب و بدنه‌های پاره‌پاره و بی‌دیار خن‌نشانند.
۱۲- معاونت سازمان حفاظت نباتات قرار گرفت.
دولت همچنین با اختصاص مبلغ ۲۵۰۰میلیارد ریال برای انجام اقدام‌های ضررئی حذف و خارج سازمان‌های و کنترل کارکنان‌های بحران خشکدگی کرد و داخل وزارت آب و سبزه و آفات و سایر اقدار اعلا، با نام یاد خدا بر لب و بدنه‌های پاره‌پاره و بی‌دیار خن‌نشانند.
۱۲- معاونت سازمان حفاظت نباتات قرار گرفت.
دولت همچنین با اختصاص مبلغ ۲۵۰۰میلیارد ریال برای انجام اقدام‌های ضررئی حذف و خارج سازمان‌های و کنترل کارکنان‌های بحران خشکدگی کرد و داخل وزارت آب و سبزه و آفات و سایر اقدار اعلا، با نام یاد خدا بر لب و بدنه‌های پاره‌پاره و بی‌دیار خن‌نشانند.
۱۲- معاونت سازمان حفاظت نباتات قرار گرفت.

او همچنین به مداخلات دولت برای حل مضللات زیست محیطی اشاره کرد و گفت:برای مقابله با آفات مگس زیتون و ملخ

سرویس سیاسی -اجتماعی: شهردار تهران گفت: در زمینه حرکت جهادی بسیج باید خط شکن و پرچمدار حرکت جهادی و جزو کسانی باشد که همانند دفاع مقدس معلر را بازمی‌کر دند تا دیگران عبور کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی‌فرد در این جلسه، یاد خاطره شهدای فرهنگ هنر سال ۱۳۳۰ را گرمی‌داشت و گفت: هفتمین، یادآور حادثه خونبار و هولناکی است که شجره قبیله انقلاب اسلامی را آبیاری و بارور کرد.
وی افزود: استیکار جهانی با مدیریت امریکای جهانخواه، پس از تجربه تلخ شکست به دست توانای خدای میحسان در صحرای طیس، کوتاهی نوز، حمله نظامی مزدور یعنی نظام سلطه، دست به جانیی هولناک زد و در هفتم تیرماه سال ۱۳۳۰، دفتر حزب جمهوری اسلامی را در حالی که جمعی از بلندپایگان و دلسوزان نظام که ستارگان پر فرور آسپاز ایران بودند، شامل آیت‌الله دکتر سید محمد بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، ۴ وزیر عالم و فرهنگ، ۱۲ معاون وزیر و ۳۰ نماینده، شهردار تهران و سایر افاضات و سایر اقدار اعلا، با نام یاد خدا بر لب و بدنه‌های پاره‌پاره و بی‌دیار خن‌نشانند.
وی افزود: تشبیه پیکرهای کاب شهیدی حزب جمهوری اسلامی ایران به حضور مقتدرانه ملت در رویارویی با استیکار و نفاق تبدیل شد و زمینه استحکام ارکان جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرد.

ابوترابی‌فرد سپس اظهار داشت: چنین حادثه‌ای اگر در هر نقطه دنیا اتفاق می‌افتاد، برای فروپاشی یک نظام کافی بود، ولی نظام اسلامی آن را تحمل کرد و سیدمهدی کاشانی، برای استیکار و اقتدار آن.

تقدیم یک سؤال و ۴ لایحه به مجلس
در ادامه این جلسه اعلام شد که سؤال نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه از علی‌سپیناب، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در مورد عملکرد آن وزارتخانه و بانک مرکزی در حوزه بانکداری و بورس، به همراه لایحه به شرح زیر، تقدیم هیأت رئیسه شده است.
۱- لایحه طرح مشارکت جمهوری اسلامی ایران در برنامه صندوق بین‌المللی پول، برای کاهش فقر و ارتقای رفاه.
۲- لایحه تصویب کنوانسیون بیناماتا، در مورد جنوه.
۳- لایحه تصویب اصلاحات اساسنامه کانسئین و این‌نامه‌های کلی فراهم شده‌است که برای فروپاشی یک نظام کافی بود، ولی نظام اسلامی آن را تحمل کرد و سیدمهدی کاشانی، برای استیکار و اقتدار آن.

نویشت در پاسخ به سئوال وزیر نیرو و وزیر نفت گفته اند ما هیچ مشکلی برای تهیه سوخت لازم برای نیروگاه ها و پالایشگاه ها نداریم و تاکنون گزارش مبنی

سرخان خود،با بیان این که می‌توانیم صادرات نفت بیش از برنامه است، گفت: بحث صادرات نفت همچون

پشت صحنه

دکتر محمدعلی فیاض بخش

آن‌شب، شبی دیگر بوده‌ه از آن باب که میان دو نیم رقابتی کشندند و سراسر هیجان بر گزار می‌شد و لابد و ناچار تنش‌های ذهنی -روانی خاص خود را می‌داشت. این مقوله، دیگر عادی‌تر از آن است که از آن به عنوان یک حادثه یاد شود. دیگر بودن آن شب بهرغم این بدان بود که از دنیا باور و اعتماد و جرأت در برابر دنیایی از توهم قدرت، برقدارافت و تا آخر این قامت را کم نگذاشت و نهائیا به زانو در آمدن نامتسلله هم‌چند به قلاب فرو نشاندن یک توپ در سبتهی یک تور-ر یا به نظاره نشست. اینگونه نگنبد!

صاحب این قلم و راقم این سطوره نو فوئالی است و نه سر از توپ و تور در می‌آورد. لکن خوشوقت است که با مقوله‌ای بنام غیرت و جرأت و اعتماد به نفس تا حدودی آشناست؛ بدین معنی که صاحب این شخصیت را که نام برده به اندک نگاهی می‌شناسد و در برابرشان به تعظیم و تحسین فرو می‌نشیند. داستان آن شب، قصه‌ی پر شور یک غیرت مردانه است، حماسی جرات‌ورانه و البته معصومیتی مظلومانه اما پر فریاد بود. مردی که ما ایرانیان که در بزنگاه‌ها اینگونه حیرت می‌آفرینیم، منتظر بزنگاه‌ها نمایم و اصولا در زندگی عادی روزمره نیز حیرت‌ناپذیر و تحسین‌برانگیز بنماییم به بمانیم -بگذرد.

این شب همسایه‌ی ما در کشور و وفای ملی به یک نتیجه‌ی واحد رسیدیم و آن این که اصل زحمت و کوشش و کم نگذاشتن در طریق هدف، نه نهایتی بی‌مقدارتر از اصال به مقصود نیست، بلکه گاه از ششصدتور و البته دیگر نکته آن که قدر دانشش از یک نیت و رفتار مردمی و ناخشنود پستی کردن از نتیجه‌ی نه‌چندان مطلوب، خود یک مهارت است که باید آن را موخت و تمرین کرد. آن شب شاید کسی از ایرانیان نبود که در روز و نود بازی را در تحسین نکرده باشد و بر ملامت و شماتت بیایم و نتیجه‌ی نه‌چندان مطلوبه بی‌فراری و ناهمبوری ورزیده باشند. این تمرین بسیار ارزشمند است که انصافا می‌توان به یک مهارت تبدیلش کرد. آن شب، صفت‌ها و شماتت ناشای از باخشت، به پای ملتت و قدر شناسایی آن همه غیرت و ناخشنود فرمائی شد و ما باید این فدیة قربان را می‌دانیم تا طعم خوش سیمعی صدر و رضایت در برابر نیت خوب و کوشش پاکیزه را در کم جامنان‌ها حس کنیم؛ حس کردیم. گفتنی است که آنچه در وروی این رقابت‌ها و هیجان‌ها می‌ماند همان اخلاق و ادب و نزاکت است، که بدیدیم نام‌داران دوران‌های قبل بعضا چه زود بی‌ما شدند و روز نمادانه که نشانی نیز از آن نباید؛ و راستی که، آنچه باید جلبلسگی را نشاید پایایی و ممانی از آن ادب و نزاکت و اخلاق نیکوی انسانی است و غیر از آن هر چه هست، حتی قهرمانی و نام‌آوری، رفتنی و فرواش شدنی است. همین جرات فرصت را مفتعی می‌شمارم و از آن می‌برم که کارشناسان و ادبا بحث و بحث در زمینه‌ی فوئالت، به افزون میلیون‌ها مخاطب و شنونده‌ی که دارند، از سطح این پدیده فراتر روندو جوانب اخلاقی و نیز غیر اخلاقی آن را نیز به تحلیل گذارند و جوانان را در خصوص، به این امر صراقت دهند که می‌توان در اوج هیجان و در نهایت مهارت‌ورزی نیز ادب‌آموزی و نزاکت‌ورزی کرد و دگر اخلاق و ادب را به پای هیجان‌ها و با عصیت‌های زودگذر به قربانگاه نهر نشتاد. از دیگر سوی کار دگری نیز باید کرد. آن‌البته از عهده‌ی کارشناسان رسمی فوئال بیرون است و در ذمہ‌ی جامعه‌شناسان، تاریخ‌دانان و اهل تحلیل و تدبر است. کار کارسان، نمایاندن پشت پرده‌ها و نیز شفاف‌سازی روی صحنه‌هاست که در پس و پیش و متن و حواشای این برد و باخشت‌ها و در هیجان و تخذیر این پدیده‌ی سحرانگیز چه اتفاقات و حوادث دیگری شکل می‌گیرد و در پس هر تزویر و تبیین محدثا خصوصت آمیز میان دو نیم چه مولوداتی با به صحنه می‌گذارند... از این نیز بگذرد.

...چه‌چیزی کنشگری اسمال این تو فوئال(۱) را داشتند که در پایان روزی پرکار در این ایام استخوانی‌تر کنندو استر‌ها و تنش‌های تابناشته از هیوایی کنکور را به پای تنش و تب و تاب هیوایی دیگر موقتاً قربانی کنند و خستگی روزانه را به اضطراب برد و باخشت شنبانه پیوند زنند و چه شود اما به هر حال زندگی داشتند هرچند خود بر هیجان و بیخفا نشن؛ لکن به فراموشی موقت تنش و استرس کنشگری‌ارزید. حال که سخن به اینجا انجامید دوباره و چندباری می‌برسم؛ مبدا کنشگر نیز مثل فوئال روی صحنه‌ای داشته باشد و پشت صحنه‌ای؛ پشت صحنه چه خبر است که کنکور از پای نمی‌افتد!

دکتر روحانی: ملت و مسئولان مدیون جانبازان و شهدا هستند

سرویس سیاسی -اجتماعی: رئیس‌جمهوری صفر دیروز در دیدار «مؤتدک نژاد» جانباز ۱۴۰درصد جنگ تحمیلی، ایستادگی و مقاومت ملت ایران در اضمی نقاط کشور را ستود و تاکید کرد: اگر ایستادگی همه ملت بویژه شهدا، جانبازان و ایثارگران نبود، نمی‌توانستیم به پیروزی برسیم و کشور در اشغال و مردم ماتحت سلطه قرار می‌گرفتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به تهاجم رژیم بعث عراق به ایران در آغاز انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: در حالی که ملت ایران نه قصد نه آمادگی جنگیدن را داشت، ناچارمردانه مورد تعرض دشمن یعنی قرار گرفت ولی با مقاومت جوانمردانه مردم بویژه مردم اهواز، روبرو شد.

رئیس‌جمهوری افزود: ملت و مسئولان نظام همواره مدیون و

اطلاعات

اشاره:ه زمان مگر چیست؟ خطی قراردادی که یک طرفش گذشته‌است و آنقدر است و آنقدر می‌رود و می‌رود تا به تاریکی برسد. طرف دیگرش هم آینده است که باز دو سه قدم جلوتر می‌رسد به تاریکی. خب همه اینجور ی راضی شسده‌ایم و داریم زندگی‌مان را می‌کنیم. بعضی وقتها میبینی یکی از ما از این خط‌ها خارج می‌شویم. پامان سر می‌خورد به اینور خط که می‌شود گذشته، با یک قدم از طرف خط به آینده می‌رود…»

«دو قدم اینور خط» تمام که شد، حس و وقتی را داشتیم که نوی سینما چراغ را روشن می‌کنند و تیر از پایان فیلم که پخش می‌شود، انگار کشیده محکمی خورده‌ای و مجبوری برگردی به دنیای واقعی و همه‌اش نه دلت غم می‌زنی که کاش تمام نمی‌شد…»

از آن کتاب‌هایی بود که پشت جلدش پرت می‌کند وسط ماجرا و تازه وقتی به خودت می‌آیی، حس می‌کنی باید احمد پوری را پیدا کنی، پیرسی واقعا شد؟!*

ملاقات تصادفی و کمی و عجیب‌ول می‌کند تا گشتی بزنی نوی کوچ پس کوه‌های تبریز قدیم و سری به آخمتانو زدن هم این وسط صفای دارد. وقتی سوار کلمات جادویی اچید پوری هستی و کتاب که تمام می‌شود، تازه از خودت می‌پرسی یعنی واقعا!*

ملاقات تصادفی و کمی و عجیب‌ول می‌کند تا گشتی بزنی نوی کوچ پس کوه‌های تبریز قدیم و سری به آخمتانو زدن هم این وسط صفای دارد. وقتی سوار کلمات جادویی اچید پوری هستی و کتاب که تمام می‌شود، تازه از خودت می‌پرسی یعنی واقعا!*

ملاقات تصادفی و کمی و عجیب‌ول می‌کند تا گشتی بزنی نوی کوچ پس کوه‌های تبریز قدیم و سری به آخمتانو زدن هم این وسط صفای دارد. وقتی سوار کلمات جادویی اچید پوری هستی و کتاب که تمام می‌شود، تازه از خودت می‌پرسی یعنی واقعا!*

«**به عنوان اولین سؤال، نقی یزینم به گذشته شما در تبریز، چه چیز این شهر برایتان پر رنگ بود که باعث شد حتی فصل‌هایی از کتابتان مختص تبریز باشد؟**
اگر این را خیلی نوستالژیک حساب نکنیم، فکری کم برای ایام همه، شهری که در آن بزرگ شده و سنین بلوغ و جوانی را گذرانده‌اند، چیز مقدسی است؛ مگر موارد خاص که خاطرات خوبی از آن شهر نداشته باشند.
اندوخته‌های سال‌های دور را برایش بنویسد.
سفر او به زادگاهش «تبریز» بهانه خوبی بود برای گفت‌گویی صمیمی از جنس کتاب و ادبیات.
***»

دورانی که مصروفیت‌های خاص خودمان را داشتیم.
یادم است دوستی داشتیم که او هم مثل من کتابخوان بود و با هم کتاب می‌خواندیم. وقتی می‌خواستیم در مورد کتابی بحث کنیم، پیاده قدم می‌زدیم، یادش بخیر، در چنین فصل‌هایی جیب‌هایمان را پر از گوجه می‌کردیم و به نوبت نمک را داشتیم می‌گرفتم و گوجه خوران از مرکز تبریز راه می‌فادیم و ملات‌ا تل می‌رفتم.
همه مسیر را هم پیاده می‌رفتم و بر می‌گشتم و در تمام طول راه فقط در مورد کتاب حرف می‌زدیم. خوشبختانه هنوز هم رابطه‌ام با این دوستم پایرجاست.

«**در آن دوره، تبریز نویسنده‌های خوب و شناخته شده‌ای داشت. آیا با آنها هم آشنایی داشتید؟**

– بیشتر آنها از من بزرگتر بودند و زمانی که آنها در اوج شهرت بودند من هنوز در سنین نوجوانی بودم. اما شناس این را داشتم که با غلامحسین ساعدی ۲ بار دیدار کنم. یکبارش در تبریز بود. من آن وقتها کار تاتار هم می‌کردم. یکبار هم نمایشنامه تشنه انتقام» ساعدی را در تبریز روی صحنه بردم. قبل از اجرای آن کار، چون از ارتباط ساعدی و آقای مجید ایروانی، مدیر تکفر و ششی شمشیر خیر داشتیم، از مجید آقا خواستم که وقتی ساعدی برای دیدنش آمد مرا خبر کند تا بایم و اجازه اجرای نمایشنامه را بگیرم.

این اولین بار بود که ساعدی را می‌دیدم. هیجان‌زده بودم و دست‌هایم می‌لرزید. وقتی گفتم می‌خواهم اجازه اجرا بگیرم، نگاهی کرد و گفت: «ارث پدرم که نیست، من این نمایشنامه را برای اجرا شدن نوشتم؛ چه بهتر که تو اجرا کنی.»

«**چند سالتان بود آن زمان؟**

۱۹– ۱۸ ساله بودم و او هم مرا نمی‌شناخت. اما خیلی ارامش به یاد داد. البته بعد از این که خیالم راحت شد، شروع کرد به پرسیدن بعضی سؤالها تا محکم بزند. البته این را باز برکتی که شدم فهمیدم. می‌خواست ببیند من در کل، ماجرای اصلی نمایش را فهمیده‌ام یا نه؛ من آن وقت‌ها نمایشنامه «هارولد پینتر» را ترجمه کرده بودم که در مجله «نگین» چاپ شده بود. تا این را گفتم، ساعدی نفس راحتی کشید…»

«**دو قدم اینور خط، اولین تجربه نوشتن شما نیست و قبل از کار ترجمه، داستان‌های کوتاه هم می‌نوشتید. خودتان را نویسنده می‌دانید یا مترجم؟**

– اگر ۲۰ سال پیش این را می‌پرسیدید، می‌گفتم نویسنده. اما الان خودم را هم نویسنده و هم مترجم می‌دانم. دلم نمی‌آید بعد از این کتاب، شعرهایی که به‌فارسی برگردانده‌ام، خود را مترجم شعر ندانم. اما دلم با نویسنده‌گی و داستان‌نویسی است. چون ادبیات را با داستان کوتاه شروع کردم.

«**چه چیز باعث شد که در سن کم بتوانید در مجله‌های قدرتمندی مانند فردوسی، نگین و رودکی کارهای خود را منتشر کنید؟**

– من از بچگی داستان می‌نوشتم. برای تفریح خاطر بگویم، ۱۱ سالم بود که زمانی با عنوان مردان پنجه قورباغه‌ای تحت تأثیر رمان‌های پلیسی آن زمان در یک دفتر ۱۰۰ برکت کوچک رمان‌های من به شوخی می‌گویی؛ با کم شدن آن رمان، چه ضربه بزرگی به ادبیات ایران خورد!»

عادت به نوشتن داشتم. حدود ۸۱۷ ساله بودم که به فکر رسید یک داستان برای مجله فردوسی بفرستم. البته فکر نمی‌کردم چاپ شود. مجله فردوسی اگر درست یادم باشد، دوشنبه‌ها منتشر می‌شد. یکی از دوشنبه‌ها بعد از فرستادن

داستانم بود که به دکه روزنامه فروشی در چهارراه شریعتی (چهارراه شهناز آن وقت‌ها) رفتم و فردوسی را خریدم و دیدم که داستانم چاپ شده. حس عجیبی بود. حس که بعدها که این همه کتابم چاپ شد، هرگز دوباره آن را تجربه نکردم. داستان طنزی بود با عنوان «از آشنایی با شما مشغوم»! مجله رازیربفلم گرفته بودم و حس می‌کردم نویسنده بزرگی هستم و همه مرا می‌شناسنر.

«**چطور است؟**
آن حس فری می‌کری. حسی رمانتیک بود. واقعیت نبود و هیچ‌وقت هم دوباره تجربه نشد.
«**گفتید دوست دارید آثارتان چاپ شود. شما با این چهره سرشناسی که دارید هم ممکن است کارتان مجوز نشر نگیرد؟**

– نه، اتفاقاً نسل شما بیشتر آشناست. در نسل ما زبان ترکی در آذربایجان قذفن بود. شما فقط می‌توانستید ترکی را در خانه صحبت کنید. در مراکز آکادمیک، حق صحبت به ترکی نداشتید. یادم است یکی از معلم‌های خود مرا فقط به دلیل این‌که ترکی صحبت کرده بود، برندن ساواک. ما حتی نمی‌توانستیم یک سطر ترکی چاپ کنیم.
تنها چیزی که به زبان ترکی موجود بود، حیدر یارایی شهریار بود که آن کم واحدی محدود شد. منابع ترکی برای ما همسان چند کتاب بود به خط سیرلیک که با هزار زحمت از باکو می‌آمد. خود من ترکی باکو را با خط سیرلیک بهتر می‌خواندم. فکر می‌کنم با حجم کتاب‌هایی که به زبان ترکی چاپ می‌شود، نسل الان امکانات بیشتری دارد.

«**نوشتن به زبان فارسی برای یک جوان ترک زبان یک موفقیت بزرگ است.**

– قبل از این که یک موفقیت باشد، یک ضرورت



چرا نمی‌شود؟ یک رمان من (رمان دوم) یک سال تمام در آرشاد ماند و بعداً کلاً جواب نه گرفت! حتی اصلاحیه هم ندادند. ۲ تا از کتاب هایم هم در چاپ‌های دوم و سومو جمع شدند.

«**دلیلش عاشقانه بودن آنها بود؟**
– نه، اتفاقاً اکثر کارهای قبلی‌ام عاشقانه تری بود!
«**در مورد ترجمه‌پذیری شعر پیرس. آیا در ترجمه، بلایی سرشمر می‌آید یا در حین انتقال از زبانی به زبان دیگر، ماهیتش عوض می‌شود؟**

– هر متنی که ترجمه می‌شود، بلایی سرش می‌آید. اولین بلا این است که در قالب یک زبان و فرهنگ جدید در می‌آید که جاهایی با آن منطبق است و جاهایی نیست. جاهایی که منطقی نیستند، در ترجمه ضعیف آسیب می‌بینند و در ترجمه قوی ایسن بخش‌ها به نحوی سازگاری با زبان مقصد پیدا می‌کنند. بنابراین ماهیت متن عوض نمی‌شود، فقط در قالب و ظرف زبان و فرهنگ دیگری ریخته می‌شود. البته مساله شعر کمی پیچیده‌تر است و شاید شگافتن آن حوصله دیگری و گفتگوی ویژه‌ای نیاز داشته باشد.

«**می‌گویند نویسنده‌ها یا شاعران دو زبانه در نوشتن به زبان دوم موفق تر عمل می‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟**

– نمی‌شود گفت موفق‌ترند. اما دقت و ظرافت آنها به ساختار زبان بیشتر است. دلیل شاید این باشد که زبان مادری برای فرد، مثل غذا خوردن و هوا طبیعی است. شما تا زمانی که هوا از شما گرفته نشود، حضور یا عدم حضور را حس نمی‌کنید.

در نتیجه بومی یک زبان هرگز به ظرف‌های ساختاری زبان خودش آگاه نیست، مگر این که عمادها به دنبال آموزش آن برود. اما افراد دو زبانه هنگام برخورد با زبان دوم، اول به کار ترجمه می‌پردازند و در این مرحله مجبور می‌شوند به روابط ساختاری بیشتر دقت کنند و به تفاوت‌های آن با زبان مادری خود توجه کنند.

این است که دقتشان در بازآفرینی آن بیشتر می‌شود. اما هنوز هم معتمد زبان مادری حس و حالی دارد که دیگران نمی‌توانند آن را تجربه کنند. خود من با وجودی که فارسی حرف می‌زنم و می‌نویسم، هرگز مانند یک فارسی زبان که از کودکی این زبان را آموخته و با آن زندگی کرده است نمی‌توانم آن را حس کنم.

«**نوشته ترکی هم دارید؟**

– نه ندارم و متأسفانه برای تلاش به منظور نوشتن به ترکی هم دیگر دیر شده. اما خیلی دلم می‌خواست می‌توانستم ترکی بنویسم. در واقع این یکی از آرزوهای برادرزفتم من است.

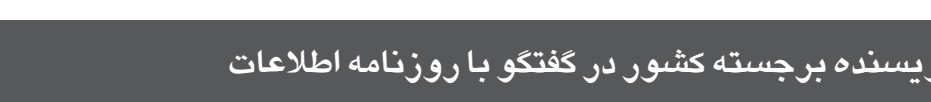
«**فکر می‌کنم اگر اتفاقات خوبی می‌افتاد، حتماً به گوش شما می‌رسید.**

– دقیقاً! فکر می‌کنم اگر به همین منوال پیش برود، آینده خوبی در انتظار ادبیات تبریز نیست. این را هم بگویم که یکی از دوستان قدیمی تاتر به من زنگ زد و گفت کارهای خوبی در تبریز در زمینه تئاتر اتفاق می‌افتد. حتی قرار گرفته‌است که یکی از این کارها را ببینیم. پس در تاتر ظاهراً کارهای خوبی می‌شود که ما هم خبر دار می‌شویم. اما در زمینه ادبیات نه.

وادی ادبیات

«**شما در قسمتی از کتاب «دو قدم اینور خط» نوشته‌اید که هنر در ذات خود سیاسی است. آیا به این موضوع معتقدید؟**

– بله، به نظر من هنر خود امری سیاسی است. هنرمند زمانی که به خلق اثر می‌پردازد، پیشاپیش تکلیف خود را با هستی روشن کرده و بین روشنی و تاریکی، روشنی را انتخاب کرده است. این یعنی سیاسی بودن؛ یعنی جانبداری. اما این‌که هنرمند تابع سیاست‌های روزمره‌ای که تاریخ مصرف دارند بشود، به اعتبار تجربه تاریخی نمی‌تواند هنر خود را در طول بیشتری از تاریخ پیش ببرد. برای هنرمند واقع و تجربه‌های زیستی مثل دانه‌های آگورنند. نویسنده نمی‌داند که این دانه‌ها چه زمانی در ذهن او تبدیل به شراب می‌شوند، اما اگر تجربیات او دست اول و زرف باشد، شراب حاصل از آن مستی می‌آورد. بی‌آن که اثری از انگور خام در آن باشد. در واقع هنرمند بی‌آن که خود چندسان آگاه به کار



«**احمد پوری» مترجم و نویسنده برجسته کشور در گفتگو با روزنامه اطلاعات**

ترجمه‌های عاشقانه‌ام، آبی ز لال

بر چهره ادبیات کشور است گفتگو از: پری‌ناز سهرابی نژاد (خبرنگار اطلاعات در تبریز)

است که خیلی دوست دارم و در رمان دومم به وفور به آن پرداخته‌ام.

«**زمانی که مجوز نگرفت…**

– بله، مجوز نگرفت و بعد در فضای مجازی منتشر شد. الان در حال نوشتن رمان سوم هستم.

«**اسمش؟**

– هنوز معلوم نیست. تمامی کارهایم را بعد از تمام شدن اسم می‌گذارم.

«**و فکر می‌کنید کی به سرانجام برسد؟**

– زندگی اگر بگذارد، سه‌ماه بعد به سرانجام می‌رسد.

«**در جایی از کتاب گفته‌اید بگذار اتفاق بیفتد، بعد در موردش فکر می‌کنیم؛ اینجا معلوم است که نظر شخص نویسنده است. آیا در مورد آثارتان اینطور فکر می‌کنید؟**
– در مورد زندگی‌ام هم همینطور فکر می‌کنم. من هرگز نگرانی زیادی در مورد آینده ندارم و این نگرانی را موجه هم نمی‌دانم.

«**اشاره کردید که کتابان به صورت الکترونیک منتشر شده. خیلی‌ها معتقدند قیمت کتاب‌ها باعث شش‌متر کتاب بخوانیم. آیا این الکترونیکی شدن می‌تواند خلاء کتاب خواندن را جبران کند؟**

– کاران شدن قیمت کتاب، تنها یکی از دلایل است. ما در زمان خودمان کتابها را نمی‌خواندیم، آنها را می‌خوردیم. اما جوانهای امروز یک دهم و قشکنان را برای کارهایی که ما می‌کردیم نمی‌گذارند. طبیعی هم هست. چون آن زمان ما اینترنت نداشتیم. نه. نداشتیم. من مطمئنم اگر آن زمان ما هم اینترنت داشتیم، من کمتر کتاب می‌خواندم. الان هم اینطور است. من تبلنر را از خود جدا نمی‌کنم. در این شرایط دلایلی هست که کتاب را کمتر بخوانیم.

«**البته نمی‌توانیم در مورد خوب یا بد بودنش نظر دهیم. چون خواه ناخواه الکترونیکی شدن اتفاق می‌افتد. الان آمار کتاب‌های الکترونیکی بسیار زیاد است. در ایران هم در این مقطع زمانی در فکر گرفته هستیم و باید آن را به سلامت بگذریم.**

– در سطح چیزی به نام «کیندل» یا «ای بوک ریدر» ساخته‌اند که می‌توانید با آن راحت کتاب‌ها را به صورت الکترونیکی بخردید و بخوانید و مشکل دید هم نداشته باشید.

چون بر خلاف اینتینر کامپیوتر این دستگاه اشعه‌ای ندارد و می‌شود آن را درست مانند کتاب و صفحه کاغذ خواند. اما متأسفانه کیندلفونت فارسی ندارد و مشکلاتی برای خواندن کتاب‌های فارسی ایجاد می‌کند. این همان گرده است. اگر چنان‌که می‌گویند این دستگاه‌ها به فونت فارسی مجهز شوند ما به منابع عظیمی دسترسی پیدا خواهیم کرد.
«**آیا کتاب‌های الکترونیکی می‌توانند جایگزینی برای کتاب شود؟**

– حتماً. الان کتاب‌های می‌توانند از ران‌تر عرضه شوند. سبایه ممیزی بالای سرشان نیست. دیگر برای تولید این درخت‌ها هزینه نمی‌شوند و هنگام جا به جایی هم صاحب کتاب را دچار مشکل نمی‌کنند.

«**شما کتابتان مجوز نگرفت و به صورت رایگان اینترنتی منتشر شد. چون به هر حال نویسنده می‌خواهد که حرفش شنیده شود. این اتفاق درد دارد. چون شما از این راه امرار معاش می‌کنید. اگر نوشته‌تان را نذر کنید، چه کسی باید از شما حمایت کند؟ فکر می‌کنید باز هم چنین اتفاقی بیفتد؟**

– اگر آن صنعت راه بیفتد که حتماً چنین خواهد شد، آن وقت مساله مالی آن هم حل می‌شود. همین پدیده‌ها این هشدار را می‌دهد که دیگر نویسنده‌ها با کسی شوخی ندارند و خیلی راحت می‌توانند کتاب‌هایشان را منتشر کنند.

«**و حرف آخر؟**

– بسیار خوشحالم که در تبریز هستم.



علی صادقی (مشاور اسبق مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان)

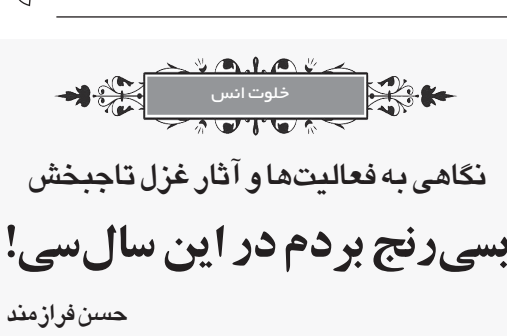
به دیگر ممالک جهان گوشرد کنند، گردهم جمع می‌شوند و از ایران و فرهنگ آن می‌گویند و به فرزندان خود که در آن سامان به دنیا آمده‌اند می‌آموزند که ایرانی هستند و باید به فکر سرزمین‌شان باشند.

اینان کسانی بودند که حکیم ابوالقاسم فردوسی را پس از گذشتن هزار و صد سال به اروپا دعوت نمودند و نعره مردانه‌اش را چون تندر آسمان‌ها در آن دیار طنین‌انداز کردند و به ایرانی بودن خود افتخار نمودند، شادی کردند و مهر گان را جشن گرفتند و مقام حکیم ابوالقاسم فردوسی را گرمای داشتند و با وجود زندگی مادی در غرب که همه را به سوی خود می‌کشاند، جانب فرهنگ خود را گرفتند و از آن می‌گویند.

آنها به خوبی می‌دانند که اگر چه باید چنان را بسازند اما هنوز خود را فراموش نکرده‌اند البته به کسانی هم برمی‌خوری که خود را و فرهنگ خود را فراموش کرده‌اند و نمی‌دانند متعلق به کدام سرزمین هستند که گذشته را یا یاد دارند. نه آینده‌ای را در نظر دارند و حالشان هم مانند گذشته و آینده‌شان می‌باشد که تعدادشان قلیل است اما روح و روان بیشترشان از پی نام ایران زمین است.

وی مقدمه کتابش «به پایک خورشید» یادآوری‌شود که فرهنگ و تمدن ایرانی سرشار از داستان‌ها و شخصیت‌های جذاب است اما در کتاب‌ها و بویژه سریال‌های کارتنی تلویزیون ما خبری از آنها نیست! با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت و تأثیر زیادی که در دوره کودکی و نوجوانی دارد، باز باید با او همصدا شد که چرا مسئولان فرهنگی، نویسلمانان، هنرمدان و نویسندگان در میراث فرهنگی و ادبی و متون کهن توجه کافی ندارند و آثار خود را با الهام از آنها ارائه نمی‌کنند؟! در کنار نمایش تولیدات تلویزیونی و سینمایی خارجی و شخصیت‌های ظطیر سومر، مردعنکبوتی و… اما بهتر نیست با نگاه به تاریخ تاریخ ادبی و شخصیت‌های نظیر رستم، شهباز، گرافدیز، سیاوش، ایرج، فریدون و… ما نیز تولیدات خودمان را داشته باشیم و از این طریق کودکان و نوجوانان خود را که فردای کشور را رقم می‌زنند- با فرهنگ ایرانی بیشتر آشنا کنیم؟ آیا جذایات ادبی و هنری این کشور کمتر از آثاری است که در خارج تولید می‌شوند یا ما از عمق آن بی‌خبر هستیم که به سراغ آن نمی‌رویم؟

پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۲ - ۲۸ شعبان ۱۴۳۵ - ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ - شماره ۶۰۶۲۵۹۰



نگاهی به فعالیت‌ها و آثار غزل تاجبخش

بسی رنج بردم در این سال سی!

حسن فرازمند

«غزل تاجبخش» یکی از فعال‌ترین شاعرهای غزلسرا در پنج دههٔ گذشته است که ساهسات محفل پرطرفدار «انجمن ادبی غزل» او در عصرهای یکشنبه پایانی هرماه در منزلش در شمال تهران - خیابان پاسداران - برباست، محفلی که هرماه، دستداران غزل و غزل‌سرایان در آن به عرضهٔ تازه‌ترین آثار و نقد و بررسی آنها می‌پردازند.

تاجبخش زادهٔ بیست و هفتم شهریور سال ۱۳۲۱ در بروجرد است. او دوران کودکی و نوجوانی خود را در روستای مأمون که در مسیر راه‌آهن جنوب به تهران قرار داشت و نیز در شهرستان کم، پشت سر گذاشت و در کلاسی نهم دبیرستان بود که با «حمید عاملی» قسه‌گردی توانای آن سال‌های رادیو ایران آشنا شد و ازدواج کرد.

او پس از ازدواج، تحصیلات خود را ادامه داد و در تهران ساکن شد و در سال ۱۳۴۶ به دانشکدهٔ مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران راه‌یافت و در سال ۱۳۵۰ مدرک کارشناسی خود را از این دانشگاه دریافت کرد. او دوره‌های کوتاه روزنامه‌نگاری، جلب سیاحان و روابط عمومی مطبوعات را نیز گذراند و در آموزش و پرورش به عنوان دبیر دوسم ادبیات مشغول به کار شد در مهرماه ۱۳۶۰ بود که با کمک مرحوم حمید عاملی انجمن ادبی غزل را تشکیل داد و در حال حاضر خود مسئولیت آن‌را عهده دارد.

«شیدرهای چهارپرا»، «دلخواسته‌ها، دل‌خاسته» و «مأمون»، «غزل

باران‌های سنگی» عناوین سه اثر او در زمینهٔ شعر و رمان‌های «آدمک‌ها»، «بربال‌های پرواز» و داستان «دوست نادیده»، «خانقاهٔ ایها»، «زن و شعر آزاد» و داستان «آزادی» و قلمرو سبز فتح‌های سپیده از دیگر آثار اوست که تاکنون انتشار یافته‌اند.

او این روزها در تدارک برپایی جشن سی‌وسه سالگی «انجمن ادبی غزل» است که قرار است در مهرماه امسال در منزل او برگزار شود.

از این بانوی فعال در عرصه شعر کلاسیک و نیمایی، دو اثر را برای این ستون انتخاب کرده‌ایم با ذکر این نکته که او می‌خواهد در این مراسم بگوید که چه رنج‌هایی را برای برپاداشتن این انجمن در این سی‌وسه ساله متحمل شده است.



در آن جهنمی که بهشتش خردینی است

نجوای درد درد به در می‌ها شنیدنی است

وقتی علف به ساقهٔ خود سجده می‌کند

تصویر این ربای مکرر کشیدنی است

پایی که بود رهسپار راهای شوق

در حکمت‌غریب و مقدر، بریدنی است

طاووس مست و گریه‌ملوک و دریده‌ر

خورشید، دادر سر هر دو میدینی است

هر کاه خشک و برگ شقایق و با علف

گرغافل از خرم‌چرخد، چریدنی است

وقتی اذان به مأذنهٔ خانه می‌کشد

آنک‌گلاب چشم‌شقایق چکیدنی است

در هر پگاه سوت‌ه دلان درد تازای است

مردم چه می‌کنید؟ قیامت‌رسیدنی است

آه آای نگاه سبز ترنم، غزل غریب

باتو فقط جهان جلال تو دیدنی است

شهر در خواب و باغ‌ها دیدار

حرم مآذنه‌ها را نگاه می‌کردی
بهار بر سر مردم گلاب می‌پاشید
شُور صبح صفا برکف خیابان‌ها
به آبروی سفر کرده آب می‌پاشید

هزار وصلهٔ ناجور و دریده‌ر دبدی
که روز زانده و مردن نظاره می‌کردند
در آبتوسٔ نه جوی هم لجن نوشان
تو را به طلعت بودن اشاره می‌کردند

به شهر خواب نگه می‌کنی که دل‌ها را
درون مُشت، به هم کرده ناله می‌نوشت
سری به بغض فرو کرده در شب شولا
میِ شعور زچاک پیا له می‌نوشت

دوباره می‌نگری، خانه پشت غربت ابر
بلور می‌چکد از سایه‌سارِ مژگانش
و فرش کهنهٔ مسجد به آبروداری
هنوز بوسه زند بر رواقِ ایوانش

چقدر دست صداقت تهی‌ست از باران
چقدر غلظت ابر از سکوت سرشرا است
به شرم تشنگی جوی و ماهی و دریا
دل از تصور کمبود آب بیمار است

دوباره راه گشودی، به باغ برگشتی
به رنم تشنگی شهر، باغ رعنا بود
نسیم از جگر خاک، لاله می‌بویید
خدای خانه به دوشان همیشه آنجا بود

نگاه تشنه به سرشاخه‌ها گذر دادی
بهار با گل آتش، ترانه خوانش بود
فراز درّهٔ خاموش بی‌پناهی‌ها
درخت پیر، نگاهان نوجوانش بود

هوای شهر، چه بدبوی بود و مردم خواب
که ناگهانی می‌گلدسته در سبو آمد
و بین مردم در خواب و نای گلدسته
«صدای ناب اذان» از گلولی او آمد

سحر به باغ، شمیم گلاب جاری بود
هنوز فاصله‌ها بود و شهر و مردم خواب
رنی که بار چرپا به دوش خود می‌برد
فقط سرود خدایا، تو خلق را دریاب

«تهران - خرداد ۹۳»



شاهرخ مسکوب یکی از کسانی بود که اهمیت نقالی (روایتگری شاهنامه) را بهتر از دیگران فهمیده بود و برای روایتگری شاهنامه و روایتگران این اثر سترگ، احترام زیادی قائل بود. چنانچه کتاب شاهنامه پیگیری شده، نقش و اسفندیار را به این خادان بی‌نام و نشان سپردیم. البته فکر کرد، به کسانی که در طول تاریخ کوشیدند تا شاهنامه، زندگی صبورش را در میان مردم غادی ادامه دهد، به کسانی که پیام حکیم توس را به گوش مردم رسانده و نگذاشتند این صدا خاموش شود.

در کنار تحقیقات و آثار ازنده ادیبان ایران زمین بویژه محمدامین رباحی، محمد مختاری، مهدی قریب، جلال خالقی مطلق، محمد علی اسلامی ندوشن، عبدالحسین

زرین کوب، فضل‌الله رضا، شاهرخ مسکوب و… که در خصوص شاهنامه، مقالات و کتاب‌های ماندگاری تألیف کردند، تلاش مستمر برای گسترش شاهنامه‌خوانی در میان مردم که با همت روایتگران شاهنامه پیگیری شده، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است و در طول تاریخ هر دو گروه، یعنی شاهنامه‌پژوهان و روایتگران شاهنامه، با عشق کار کرده‌اند و این مهم‌ترین ویژگی آنان است. در واقع این دو گروه که کنار یکدیگر را تکمیل کرده‌اند و شاهنامه را به میان مردم آورده‌اند.

در جهان امروز کمتر کسی فرصت پرداختن به دیگری را دارد. مگر در جهت احتیاج و خواسته‌ای باشد. در این میان، فرهیختگانی که در کار تحقیق و بررسی هستند تا

یاد و خاطره و میراث فرهنگی و ادبی ما را معرفی کنند

ارزش زیادی دارند؛ زیرا در برابر خدماتی که انجام می‌دهند، بعدی است که در انتظار پاداش باشد. این اقدامات عمدتاً بی‌چشم‌داشت و با عشق است که ساخته‌اند پرداخته می‌شود.

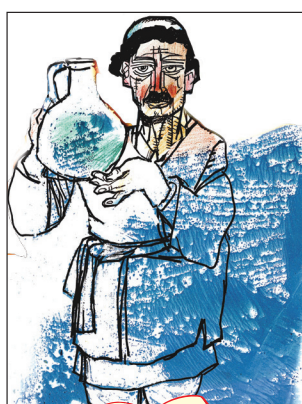
در این میان، استادامیر صادقی سروایتگر شاهنامه- آشنایی است که با عشق و علاقه زانداولوف به حکیم توس، فردوسی بزرگ، لحظه‌ای از یاد آن بزرگ‌مرد و وطن‌دوست واقعی غافل نبوده است.

پیوسته با این عشق زندگی کرده و چنان زندگی خود را به حکیم توس پیوند زده که شمایلی همچون او یافته و هر که او را می‌بیند شکل و شمایل فردوسی در نظارش مجسم می‌شود. به راستی که وجودش در وجود او خلاصه

آیین زندگی



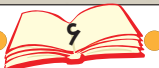
کودکانه‌ها



قصه‌های ایرانی



قاصدک



کودکانه

پنجشنبه ۵ تیر ۱۳۹۳ - شماره ۲۵۹۰۶
ضمیمه کودک و نوجوان روزنامه اطلاعات



تصویر: کریم حبيب الله صادقی

ماه روزه ماه محاطره



آنان است.

در این روزهای خوب و پر از صفایی که برای ماه مبارک رمضان آماده می شویم، به یاد هم و برای هم دعا کنیم تا شاد و سلامت باشیم.

شاید شما هم در این ماه، ابیاتی از مولانا را که با صدای استاد شجریان خوانده شده است در اوقات افطار و سحر بشنوید. خوب است که متن دقیق و معنای کلی آن ها را بدانید، برای همین با هم می خوانیم:

- این دهان بستی، دهانی باز شد
(۱) تا خورنده لقمه های راز شد
لب فروبند از طعام و از شراب
سوی خوان آسمانی کن شتاب (۲)
گر تو این آنبان زنان خالی کنی
(۳) پر ز گوهرهای اجلالی کنی
طفل جان از شیر شیطان باز کن
(۴) بعد از آنش با ملک آنبا از کن
چند خوردی چرب و شیرین از طعام؟
(۵) امتحان کن چند روزی در صیام
چند شب ها خواب را گشتی اسیر؟
(۶) یک شبی بیدار شو دولت بگیر

پی نوشت:

- (۱) لقمه های راز: لقمه های معنوی / یعنی وجودت با لقمه هایی از حالات خوش و امید و آرامش سیر می شود
(۲) طعام: خوردنی / شراب: نوشیدنی / خوان: سفره / خوان آسمانی: سفره رحمت و مهربانی خداوند
(۳) آنبان: کیسه بزرگ ولی اینجا یعنی شکم و معده / گوهرهای اجلالی: اخلاق و رفتار نیکو که مانند جواهر است
(۴) طفل جان: روح و ذات انسان که مانند یک کودک، پاک و ساده است / شیر شیطان: رفتارها و اخلاق بد و نادرست / باز کن: رها کن، جدا کن / ملک: فرشته / انبا از کن: شریک کن
(۵) صیام: روزه
(۶) دولت بگیر: به قدرت برس، اخلاق و رفتار نیک و قدرت روحی و ذهنی بالا پیدا کن

اولین باری که روزه برایم واجب شد، ماه رمضان در تابستان بود؛ درست مثل این سال ها. من عاشق شربت خاکشیر و گلاب و کلمن آب یخ کنار سفره افطاری پهن شده در حیاط خانه مادر بزرگمان بودم.

قبل از آن هم روزه می گرفتم ولی کله گنجشکی! یعنی هر وقت خیلی گرسنه یا تشنه می شدم، روزه ام تمام می شد یا این که اجازه داشتم وسط روز ناهار بخورم ولی مابین آن و تا وقت افطار چیزی نمی خوردم.

خلاصه دوران بچگی من و خیلی از بزرگترهای دیگر با صدای اذان دم افطار و دعای سحری که از رادیو گوش می دادیم و بوی شله زرد و حلوا و آشی که مادر می پخت و سفره افطاری که حتما نان تازه و خرما و زولبیا و بامیه هم داشت خوشمزه می شد و طعم گرسنگی و تشنگی نمی گرفت و با دعای ربنا قبل از اذان مغرب و شعری از مولانا، به آسمان گره می خورد.

حالا ما بزرگ شده ایم و در کنار شما بچه ها، ماه رمضان های هر سال را پر خاطره می کنیم.

برای شما نیز روزه گرفتن تجربه ای خاص است. حتی آنان که نمی توانند روزه بگیرند نیز در شادی ها و خاطره ها و دعا های دم افطار و وقت سحر شریکند.

روزه گرفتن فقط تجربه «نخوردن» چیزهایی که همیشه در یخچال و در خانه وجود دارد، نیست. روزه گرفتن، تمرین اراده است برای انجام ندادن کارهایی که به آن ها عادت کرده ایم و فکر می کنیم نمی توانیم از آن ها بگذریم.

روزه گرفتن، تمرین ایشار و از خود گذشتگی، تمرین راستگویی و صداقت و کمک به دیگران برای خوشحال کردن



روزه

پیوند فرهادی

دست بابام کوزه بود
یادش نبود روزه بود
نشسته بودیه گوشه
می خواست که آب بنوشه
گفتم: بابا به افطار
چیزی نمونده انگار
باباجونم تا شنید
زد زیر خنده، خندید!



آب بازی

اسدالله شعبانی

خداجونم از اون بالا
یه قل بزن پایین بیا
بیا طناب بازی کنیم
تو باغچه آب بازی کنیم
با غنچه‌ها قاطی بشیم
تو حوض آب، ماهی بشیم
به جوجه‌ها لونه بدیم
به مورچه‌ها دونه بدیم
بازی کنیم شنگول و شاد
تا وقتی که مامان بپا!





پرطلا

نوشته: حسن شیدا
قسمت اول

«شانه»، اما تو اسم قشنگی داری!
خروس سری تکان داد و گفت: اسم قشنگ به چه درد می‌خورد؟
بعد اشاره‌ای به مرغ‌ها و جوجه‌هایش کرد و ادامه داد:
مهم این است که تو آزادی و ما گرفتار.
- گرفتار؟ تو که الان راحت این جا نشسته‌ای و مرغ‌ها و جوجه‌ها هم دارند در باغ پر سه می‌زنند!
خروس جوان نگاهی عمیق به هُدهُد کرد و گفت: تا به حال چند هُدهُد را در برابر چشم‌های تو سر بریده‌اند و پخته‌اند؟!

هُدهُد سری تکان داد و گفت: انسان‌ها به ما کاری ندارند، ما هم زیاد به انسان‌ها نزدیک نمی‌شویم.
- چندتا از شما را شغال یا روباه گرفته و برده و خورده است؟ تو نمی‌توانی حال ما را بفهمی. من بارها و بارها سرب‌بریدن مرغ‌ها و خروس‌ها و حتی جوجه‌ها را دیده‌ام. همین امروز صبح یکی از مرغ‌ها را کباب کردند، معلوم نیست فردا یا پس فردا کدام یک از ما به همین سرنوشت دچار می‌شویم! هُدهُد کمی جابه‌جاشد و متفکرانه پرسید: شما چرا پرواز نمی‌کنید؟!

خروس گفت: پرواز؟ ما نمی‌توانیم پرواز کنیم.
- چرا؟ شما که پر و بال دارید!
- کدام پر و بال؟! بیشترین پرواز من تا لبه این پرچین است. اجداد ما هم همین طور بوده‌اند. به ما می‌گویند «ماکیان»، یعنی «پرندۀ خانگی»! هُدهُد چند لحظه فکر کرد و سپس گفت: گمان می‌کنم دلیل این که شما نمی‌توانید پرواز کنید سه چیز است.

اول این که خیلی غذا می‌خورید و چاق و سنگین می‌شوید، دوم این که تمرین پرواز نمی‌کنید، و سوم و مهم‌تر این که اصلاً فکر پرواز از مغزتان نمی‌گذرد!
خروس حرفی نزد و بادقت گوش داد و به فکر رفت...

ادامه دارد

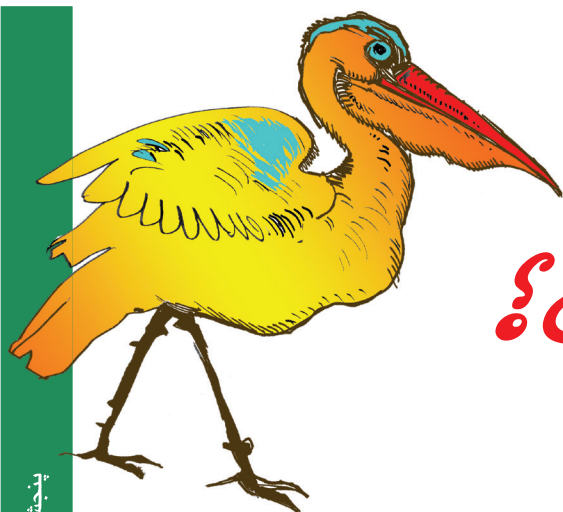
خروس جوان پرتلائی روی پرچین باغ «میرزا» نشسته و در خود فرو رفته بود. هنگام غروب بود و خروس‌های ده مشغول خواندن بودند و از هر سو صدای قوقولی قوقو شنیده می‌شد، اما پرتلائی، برخلاف همیشه که پیش از خروس‌های دیگر بال‌های زرینش را به هم می‌زد و می‌خواند، آن روز کز کرده بود و صدایش در نمی‌آمد. مرغ‌ها و جوجه‌های نوجوان دسته جمعی در باغ پر سه می‌زدند و خاک‌ها را زیر و رو می‌کردند، اما خروس جوان به هیچ یک توجهی نداشت.

کمی آن سوتر، بر شاخه درختی بلند، هُدهُد سالخورده‌ای نشسته بود و پرتلائی را زیر نظر داشت. او دریافته بود که خروس جوان غمی بزرگ در دل دارد که همراه سایر خروس‌ها آواز سر نمی‌دهد. دلش سوخت و کنج‌کاو شد تا بفهمد که چه چیز او را این همه ناراحت کرده است؛ بنابراین پرواز کرد و کنار وی روی لبه پرچین نشست. پرتلائی زیرچشمی نگاهی به او کرد و اندکی خود را کنار کشید. هُدهُد گفت: سلام!

پرتلائی بآبی حوصلگی پاسخ داد: سلام، کاری داری؟!

هُدهُد با مهربانی پرسید: اسمت چیست؟
- اسم من؟ بچه‌های میرزا - صاحب باغ - به من پرتلا می‌گویند، اسم تو چیست؟
- من اسم خاصی ندارم، همه به من «هُدهُد» می‌گویند، بعضی‌ها هم «شانه به سر»!

- شانه به سر؟ این که روی سر توست شانه است؟
- نه، چندتا پر است که انسان‌ها اسمش را گذاشته‌اند



آیا می دانید

قاره اروپا کجاست؟

اروپا کوچک ترین قاره جهان است، اما کشورهای زیادی در آن وجود دارد. فرانسه، اسپانیا، آلمان، لهستان، اوکراین و انگلستان بعضی از کشورهای مهم اروپا هستند.

اروپا سرزمینی پر آب است. باران و برف در این قاره به خوبی می بارد و رودهایی مانند دانوب، راین، سن و اودر در آن جاری هستند.

آب فراوان موجب پیدایش جنگل های سرسبز و رواج کشاورزی و دامداری در این قاره شده است. از این رو، این سرزمین پر آب و سرسبز از گذشته های دور، محل زندگی انسان و بسیاری از جانوران بوده است.

در اروپا جانورانی مانند خرس، گوزن، گربه وحشی، خرگوش، روباه، گرگ، سنجاب، گراز و پرندگانی مانند عقاب، کرکس، لک لک، شانه به سر، پلیکان و بسیاری دیگر زندگی می کنند.

مردم ساکن اروپا، از اقوام گوناگون هستند و به زبان های مختلفی از جمله انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، هلندی، پرتغالی، یونانی، روسی، مجاری، فنلاندی و سوئدی حرف می زنند.

کشورهای اروپایی، بی سواد را در خود از بین برده اند و کتاب خوانی و مطالعه روزنامه ها، جزء کارهای روزانه این مردم است.

به علاوه، اروپایی ها مهم ترین نویسندگان کتاب های کودکان و نوجوانان را تربیت کرده اند، نویسندگانی مانند آندرسن دانمارکی، رولدارال انگلیسی، لیندگرن سوئدی، استال فرانسوی، گستر آلمانی.

اغلب دانشمندان و مخترعان و نویسندگان جهان اروپایی بوده و هستند. مردم اروپا زیاد کار می کنند و به این وسیله توانسته اند فقر و گرسنگی را در قاره خود تا حد زیادی نابود کنند. از این رو، اروپایی ها از ثروتمندترین مردم جهان هستند.

خودروهای مشهوری مانند پژو، رنو، بی ام و، ولوو، بنز و فولکس نخستین بار در کشورهای اروپایی ساخته شده اند و همچنین نخستین کسانی که در آسمان پرواز کردند، اروپایی بودند!





آبیاری در شب

شب بود و سکوت. می خواستم برای آبیاری مزرعه به صحرا بروم. می ترسیدم. پدرم مریض شده بود و نمی توانست برای آبیاری به مزرعه برود. آن شب به نظرم تاریک تر بود و سایه های درختان بلند تر دیده می شد.

فانوس به دستم بود ولی انگار همه چیز سیاه تر به نظر می رسید. با خودم گفتم: ای کاش یک نفر در این شب تاریک کنارم بود و به من کمک می کرد. وقتی به مزرعه رسیدم، آب را به طرف کرت ها فرستادم. ناگهان دیدم که یک نفر به طرفم می آید. اول ترسیدم.

با خودم گفتم نکند آدم بدی باشد. اما وقتی نزدیک تر شد، دیدم که دوستم - وحید - است. خوشحال شدم و گفتم: از کجا فهمیدی امشب نوبت آبیاری ماست؟

وحید گفت: من از پدرم شنیدم که امشب آبیاری دارید و اجازه گرفتم تا بیایم و به تو کمک کنم. آن شب با کمک وحید، مزرعه را آبیاری کردیم. من از این که دوست خوبی مانند وحید دارم خیلی خوشحال شدم و خدا را شکر کردم.



محمد احمدی - کاکی (استان بوشهر)

بچه های قدیم حساب می شوم و حالا تقریباً همسن و سال معلمان شما هستم، گوشه ای از سرگرمی های تابستان دوره خودمان را برایتان نقل کنم.

در تهران بازی بچه های بالاشهر با بازی بچه های پایین شهر فرق داشت. البته ما جزو بچه های وسط شهر بودیم. بنابراین تقریباً بازی های این دو منطقه شهر را با هم داشتیم. مامعمولا تَشْتِک بازی (بازی بادر فلزی نوشابه های شیشه ای قدیم)، کاشی بازی (بازی با کاشی های ریز)، تیله بازی، قایم باشک، الک دولک، هفت سنگ و ... بازی می کردیم و البته این بازی ها، معمولاً برای پسران بود.

اسباب بازی های ما ارزان قیمت بود و زود هم خراب می شد. پدر و مادرها هم به دلیل همین ارزانی، راحت به ما پول می دادند. ما کاغذ رنگی شفاف آب نبات را جلوی چشمانمان می گرفتیم و احساس می کردیم عینک رنگی زده ایم! ساعت مچی های پلاستیکی هم داشتیم که همیشه یک زمان را نشان می داد و عقربه هایش حرکت نمی کرد! ماسک کاغذی، دندان پلاستیکی هیولایی، یویو، هفت تیر و آب پاش نیز داشتیم.

وقتی هم که پدر و مادرمان به ما پولی برای خرید خوراکی نمی دادند، دفترچه های باطل شده مشق مان را به خوار و بار فروشی محله می دادیم و در مقابل، یک سیر تخمه آفتاب گردان یا آرد نخودچی یا یک بسته آلوچه می گرفتیم و به همین راحتی گره از کارمان باز می شد.

دخترها هم بازی هایی مثل لی لی، طناب بازی، وسط بازی و مامامجسمه را که اغلب چند نفره بودند انجام می دادند. حالا بچه های عزیز، شما دوست دارید در تابستان، آرام و بی تحرک، پای کامپیوتر بنشینید یا بازی های قدیمی و پرجنب و جوش را می پسندید؟

سید جمال حسینی

سه ماه تعطیلی

بچه ها سلام!

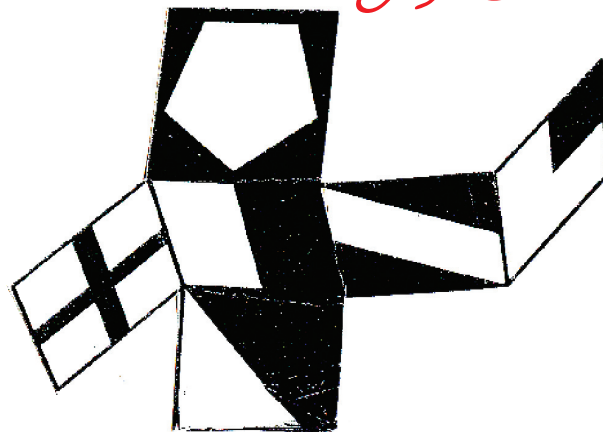
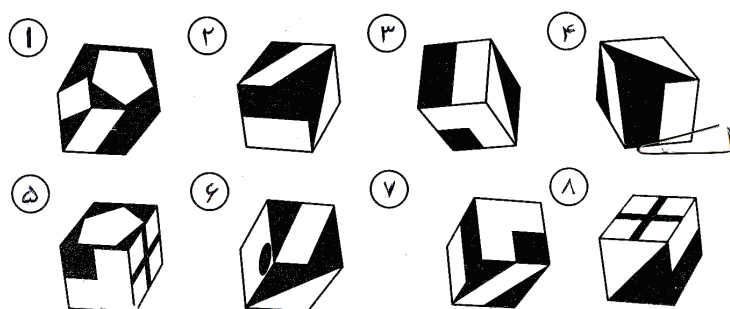
تابستان از راه رسیده و برایمان میوه های خوش طعم و خوش آب و رنگ، و مهم تر از آن تعطیلات طولانی اش را هدیه آورده است. حتما خودتان را برای خوب گذراندن این سه ماه آماده کرده اید تا هم خستگی یک سال تحصیلی را از تن به در کنید و هم با خاطرات خوش، آماده رفتن به کلاس های بالاتر شوید.

شاید برایتان جالب باشد اگر من که به قول معروف جزو



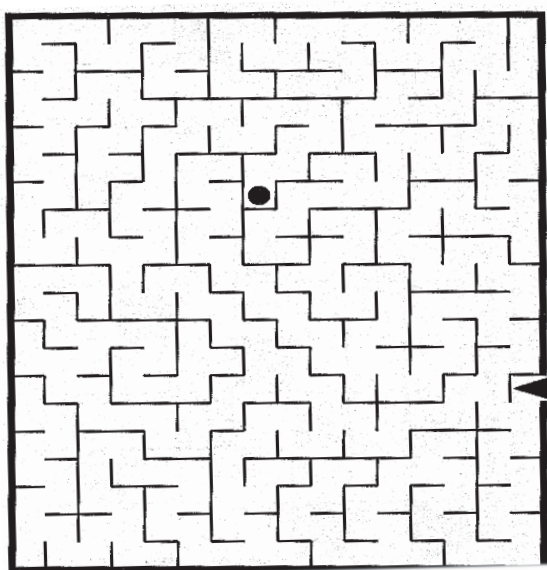
تست هوش

کدام یک از مکعب ها می تواند مربوط به شکل سمت راست باشد.
۳ مکعب پاسخ صحیح است شماره های درست را مشخص کنید
واگر نتوانستید پاسخ دهید، شکل بالا را با قیچی ببرید و آن ها را با هم
جمع بزنید و شماره ها را تعیین کنید.

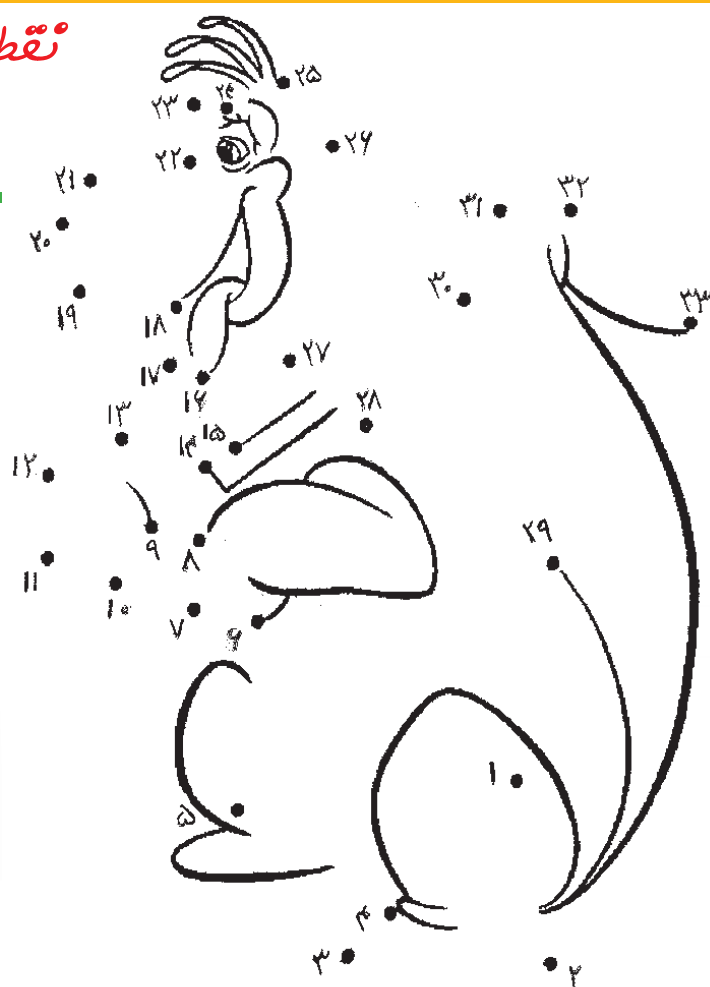


نقطه ها را به هم وصل و سپس رنگ کنید

مسیر یابی



از نقطه شروع کنید و بکوشید تا به ● در داخل شکل برسید



یک نقاشی از سفره افطاری که شما کمک کرده اید مادرتان بچیند، بکشید و رنگ آمیزی کنید

